

برج معارف



۱۶ آذر بدون روتوش . . .



✓ **شاه نزد فراری!**

✓ **بی واسطه با مسئولین**

✓ **گفتگو، راه حل مسائل**

✓ **فرهنگی یا فرهنگی ریخته؟**

✓ **جنبش فحاشی**

✓ **مشکلات صنفی**

✓ **مهم‌مهم نونی**

◆ ۱۶ آذر، قصاص قبل از جنایت بود!

♦ شاید کمتر کسی بداند که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، نه اعتراض بود و نه حتی خروج صدایی از حنجره‌ای!
درست است! لابد شما هم تصور کرده‌اید که در این روز، دانشجویان اعتراض کرده‌اند، شلوغ کرده‌اند، درگیر شده‌اند و در میانه این درگیری‌ها و شلوغی‌ها سه نفر هم در خون خود غلتیده‌اند!
خیر! این چنین نیست برادر!

♦ شاه که در مرداد ۳۲ سراسیمه از ایران گریخته بود، با کمک آمریکایی‌ها، دولت مصدق را سرنگون و سلطنتش را احیا کرد. نهضت ملی زمین خورده بود و اهالی نهضت، در بهت و اندوه سرکوب و خفقان، تمام امیدها را بر بادرفته می‌دیدند. اوایل آذر خبر سفر نیکسون آمده بود و مصدق در همان ایام در کنار سرتیپ ریاحی محاکمه می‌شد که ناگهان در چهاردهم آذرماه، روزنامه‌ها خبر برقراری رابطه مجدد با انگلستان و سفر دنیس رایت را مانند پتک بر سر اهالی نهضت کوبیدند. قاتلان ملت و نهضت و غارتگران منابع کشور، ظفرمندان به ایران می‌آمدند.

♦ ۱۵ آذر دانشجویان خرویدند و این اعتراضات به خیابان‌ها رسید. ۱۸ آذر قرار بود نیکسون به دانشگاه تهران برود و ۱۵ آذر دانشجویان از عزم جزم‌شده حکومت برای زهر چشم گرفتن از دانشجویان، شایعاتی شنیده بودند. صبح روز ۱۶ آذر، هنگامی که دانشجویان وارد دانشگاه شدند با دیدن فوج نظامیان مسلح که محیط دانشگاه را شبیه حیاط پادگان کرده بودند، تنها چیزی که به ذهن‌شان نرسید این بود که قرار است قبل از جنایت، قصاص شوند!

♦ دانشجویان، بدون کوچک‌ترین حرکتی و به صورت عادی به کلاس‌های درس رفتند و پس از آنکه نظامیان بهانه‌ای برای تاختن نیافتند، به کلاس‌های درس یورش بردند. اساتید عصبانی شدند و در این گیر و دار، زنگ دانشگاه زده شد تا دانشجویان تعطیل شوند و بروند تا شاید از این مهلکه خارج شوند، که با حضور نظامیان، خروج دانشجویان به ناآرامی کشیده شد.



اگر شنیدید گفتن دانشجو ها از اعتقاداتشون دست برداشتن این دو تا عکسو نشون بدین.

۶۰۰ نفر به احترام یک مادر شهید ۵ دقیقه ایستادند و با عشق و احترام دست زدن.

دختر دانشجویی به کمک مادر شهید نظری اومد و بر دستان پاک این مادر بوسه زد.

زیباترین تصاویر #روز_دانشجو دانشگاه زنجان



شانزدهم آذر، نمادی واقعی از پویایی و فعالیت دانشجویی است. چیزی که همه ما فعالان عرصه دانشگاهی، طعم و مزه آن را چشیده و میدانیم که چه رنگ و بویی دارد. میدانیم که فعالیت دانشگاهی یعنی خستگی جسم و روح، یعنی مطالبه از دانشجو و جواب رد از مسئول، یعنی تلاش از دانشجو و تقدیر کردن از رییس دانشگاه، یعنی همت از ما و سنگ اندازی از مسئولین دانشگاه ...

دانشجویان در توسعه، عمران و آبادی کشور تاثیرگذار هستند و می‌توانند استقلال علمی کشور را تثبیت کنند.

قشر دانشجو مطالبه گر است و باید نسبت به آخرین مسائل روز آگاه و در صحنه باشد ولی فعالیت‌های آنها نیز باید با رعایت قوانین و متناسب با شرایط جامعه باشد.

دانشجویانی که نشان دادند در برابر تحولات کشورشان احساس مسئولیت دارند و نسبت به مسائل کشور دغدغه مند هستند. داشتن دغدغه و احساس مسئولیت نسبت به مسائل کشور یکی از شاخص‌های دانشجویی تر از انقلاب اسلامی است که می‌تواند به دانشجو در عمل به نقش دانشجویی‌اش کمک کند.

دانشجو از یک سو باید قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را در قبال حل مسائل کشور به ساختار مدیریتی کشور اثبات کند و نشان دهد که می‌تواند بخشی از فرایند حل مسئله باشد و از رهگذر این اثبات است که اعتماد متقابل بوجود می‌آید و اعتماد متقابل برای کشور یک سرمایه عظیم اجتماعی است که سرعت حل مسائل را دوچندان می‌کند. به عبارتی اگر مطالبه‌گری و پرسشگری و نقد دانشجو از مدیران و صاحب‌منصبان در مسیری سازنده و منطقی قرار گیرد می‌تواند اثرگذار باشد اما اگر نقدها و مطالبات مبتنی بر گرایش‌های سیاسی و جناحی و غرض‌ورزی باشد گره‌ای از کار کشور باز نخواهد کرد.

جبران خلیل جبران جایی میگوید : برای انهدام یک تمدن سه چیز را باید منهدم کرد :

اول خانواده دوم نظام آموزشی و سوم الگو ها
دشمنان همواره سعی بر منهدم کردن نظام آموزشی ما داشته و دارند فلذا با هوشیاری و مدیریت دانشجویان تراز و نخبه با شکست مواجه میشود .

#همدم_دودی

ناصرن، دانشجوی رشته علوم اجتماعی می گوید:

«بچه که بودم، برای پدرم سیگار می خریدم و بعضی وقت ها توی راه سیگار را بو می کردم؛ بوی مخصوصی داشت. از بوی آن لذت می بردم. یک بار که سیگار روشن پدرم را کنار باغچه دیدم، آن را برداشتم و کنار لبم گذاشتم؛ سعی کردم ادای پدرم را در بیاورم. بعد از آن، دنبال ته سیگار می گشتم و کم کم کشیدن سیگار را شروع کردم. الان روزی ده عدد سیگار می کشم». گاهی دوستان و افرادی که دانشجو با آنان رفت و آمد داشته است، وی را تشویق به کشیدن سیگار کرده اند.

فریدون، ص، دانشجوی سال دوم مهندسی می گوید:

«اول دبیرستان که بودم، به خانه دوستم رفت و آمد می کردم و با همدیگر درس می خواندیم. یک شب که خانه یکی از دوستانم رفته بودم، او سیگاری روشن کرد. اول همه با تعجب به او نگاه می کردیم ولی بعدها برایم عادی شد. ابتدا هفته ای یک عدد می کشیدم و الان هم به آن عادت کرده ام.»



احسان میم. ورودی ۹۹. لاغر و موفرفری. هنوز نمی دانم بچه کجاست. از آن هایی است که همراه هر وعده غذا «منزوی» و «کریستین بوبن» می خوانند و انگار در جهانی موازی زندگی می کنند. زیاد دستش سیگار ندیدم.

از آن هایی که گاهی به اصرار دوستانش پشت بوفه جمع میشوند.

بیشتر می گذارد برای شب ها، بالکن و موسیقی، زیر نور ماه! معلوم است با هر پکی که می زند زندگی می کند. خیلی نمی خندد. نوعی درونگرایی افسرده که احتمالا سیگار را اصلاً برای ضررش می کشد؛ بین کلاس ها حیاط. بعد کلاس ها کافه، آخر شب هم باغ رفاهی. احوال جهان و اصل این عمر که هست، خوابی و خیالی و فریبی و دمی است...

شایان از فوتبال می گوید ...

که بعد از شکستن پایش در فوتبال مدت طولانی سراغ ورزش نرفته بود

بعدها تصمیم میگیرد کشتی را شروع کند که بعد از چند ماه مچ دستش میشکند و دیگر به سراغ ورزش نمیرود بعد از همه اینها و شکست عشقی که می خورد اضافه وزن پیدا میکند و سیگار نخ به نخ در زندگی اش بیشتر و بیشتر میشود و پشت بوفه میشود پاتوقی برای گذراندن اوقات

پس ورزشکار هم می تونه سیگاری باشه ...

سیگار؟ نه ممنون صرف شد ...
کجای دنیا میتوانید رایگان
دخانیات استعمال کنید؟
پشت بوفه دانشگاه زنجان (:
اره درست حدس زدید اینجا
میتونید دخانیات در طعم، رنگ
و بو های مختلف استعمال و
استعمال کنید بدون پرداخت
هزینه

شاه دزد فراری

بشنوید از سرباز فراری پناهنده در خوابگاه دانشگاه زنجان چند روزی با دانشجویان هم اتاق میشود و بعد از مدتی ارتباط و ایجاد شدن صمیمیت و دوستی بین دانشجویان و سرباز فراری از دانشجویان لوازمشان اعم از لپتاپ هدفون و ... را قرض میگیرد ... قرضی که هیچ وقت آن ها را باز نمیگرداند.

سربازی فراری که این بار نه از پادگان بلکه از خوابگاه هم فراری



سلام بر گفت و گو

تشکل دانشجویی از آنجا که ابتدا امر بر خاسته از قشر دانشجو است و تربیت یافته دانشگاه است، بر این باور است که اگر قرار بر اصلاح و پیشرفتی در جامعه باشد مبدا و منشا این حرکت جایی جز دانشگاه نیست.

مسئله ای که این روز ها بسیار در رابطه با آن می شنویم مسئله «گفت و گو» است. پیش از این اندکی میبردیم به جلسه و میز گرد گفتگو که با حضور اساتید و دانشجویان برگزار شد و امید داریم با باری خداوند این نشست ها و جلسات تداوم دار و با برکت واقع شوند.

کوچک ترین خروجی این جلسه، برای بحث ماهوی و محتوایی آن، ایجاد فضا و باز شدن باب گفتگو در دانشگاه، به عنوان یک عضو اساسی جامعه، است. محلی برای دیده شدن و شنیده شدن سخنان و دیدگاه های مختلف، بولو مخالف، متضاد و متقابل با یکدیگر.

و این دقیقاً همان حلقه کم شده این روز های زندگی ماست.



بی واسطه با مسئولین

برخی از مطالبات دانشجویان در رابطه با موضوعات روز دانشگاه و مشکلات صنفی

- ✓ کیفیت نامناسب برخی از غذاهای سلف و صف طولانی
- ✓ نبود سرویس از خوابگاه تا دانشکده ها و تاخیر اتوبوس ها
- ✓ حضور افراد غیر دانشجو در سانس های اختصاصی دانشجویان
- ✓ عدم نظارت بر قیمت کالاهای موجود در بوفه
- ✓ حضور سگ های ولگرد در صحن دانشگاه

۱۶ آذر یکی از امنیتی ترین افراد ایران

#شیخ حسین طائب در دانشگاه زنجان

بی واسطه پاسخگوی صریح ترین و تند ترین پرسشها و اظهارنظرهای دانشجویان بود.

موافق و مخالف، عملکرد ۱۳ ساله اش را به صورت جدی نقد کردند و تمام برنامه زنده پخش شد.

کاش مسئولان محافظه کار کشور یاد بگیرند.



فرهیخته یا فرهنگ ریخته؟!

دانشجو از گفت و گو گریزان است، باب حل معضلات گفتگوست، ارائه راهکار است، عمل است.

ساحت دانشگاه جای بحث و جدل، تبادل آرا و کشف یا حتی مخالفت و مجادله در لباس ادب و احترام است...

دانشجو مغالطه کار باشد یا اهل جدل باشد یا اهل برهان در مرام و مسلک علم فحاشی، توهین و بی منطقی نشان از تهی بودن است.

ما علمدار علمیم، درجایی که نور علم نباشد، بی علمی و فحاشی و بی منطقی جایگزین است. و تغییر وضعیت موجود دشوار...

و حرفهای حق شنیده نخواهد شد. امروز بیش تر از قبل دانشگاه نیاز به دانشجوی فعال و بانشاط دارد.

ما همه دانشجوییم خط کشی ها را کنار بگذارید آینده را ما خواهیم ساخت...

دانشجویی که خواستار اصلاح است، باید کلام و کلمه داشته باشد راه حل داشته باشد برای اصلاح باید نظر داد، و لا وضع بهتر نخواهد شد.

ما همه در لفظ دانشجو مشترک ایم. مبدا هویت و فرهنگ گروهی از ما را به غارت ببرند.

مبدا برای هدفی بجنگیم که آرمان ما نیست. ما فرهیخته ایم، فرهیختگی آداب دارد.

تنزل مطالبه

مطالبات دانشجویی، عدالت خواهی، آرمان گرایی، کلیدواژه های تاثیرگذار اما گاهی بلا استفاده در دانشگاه زنجان.

از حرف های تکراری ای که مطالبه حق دانشجو است و غیره و ذلک که بگذریم، مطالبه به عنوان موتور محرکه و پیشران است که مسئولین گریز پا و منفعل یا بالفعل را در دام پاسخگویی و اقناع مردم اسیر می سازد.

اما نکته ای که در مطالبه گری حائز اهمیت است مسئله محوری و ارائه راهکار است. مطالبه گری طلب کاری نیست.

مطالبات صدای بدنه دانشگاه و یا جامعه است اکنون باید دید صداهایی که این روزها در دانشگاه می پیچد صدای دانشگاه است؟ صدای جامعه است و یا خیر؟

مطالبه چهارچوب دارد، دانشجوی مطالبه گر میدانند که چهار چوب ها اگر به هم بریزد، یعنی تنزل مطالبه گری یعنی هیچ.

آرمان های اصیل انقلاب یعنی: گسترش عدالت، رسیدن به جامعه ی پیشرفته و مستقل، فقر زدایی و رفع فساد، از اهم واجبات است. و دستیابی به آنها سخت اما شدنی است.

اما آیا این روزها در دانشگاه زنجان صدای دانشجو بیانگر این دردها و راهحلی برای پیشروی به سوی این آرمان ها است؟

میتوان گفت عده ای از ما با رفیع مطالبه گری سقوط کرده ایم، و با پدیده تنزل مطالبه مواجهیم نهایت هدف معدودی از دانشجویان این روزها اختلاط اتوبوسها و سلف است و برداشتن پوشش از سرها! و به خیال خود در حال حل کردن مشکلات

اقتصادی و درد مردم اند باید دانست که مطالبه گری تناقضی با عقلانیت و منطق ندارد. جایگاه ادب و احترام و استدلال و دغدغه نزد عده ای رنگ باخته و فحاشی و توهین و بیهوده کاری

را مطالبه گری می نامند.

صاحب امتیاز: سچ دانشجویی دانشگاه زنجان @basijznu

هیئت تحریریه: حسینی، کاظمی، لرایی، حسنلو